

تبیین دیدگاه عبدالرزاق لاهیجی در بارهٔ عالم مُثل معلقه و نقد آن

زکریا بهارنژاد*

دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

اعتقاد یا عدم اعتقاد به عالم مُثل معلقه از جمله مسائل فلسفی است که بر نوع نگرش فیلسوف و روش وی در پژوهش فلسفی تأثیرگذار است، بنابراین لازم است با رویکردی جدید و با بهره‌گیری از منابع اصلی، بیشتر دربارهٔ آن تحقیق و بررسی شود. در همین راستا، مقالهٔ حاضر تلاش میکند نخست، تصویری واضح و روشن از «عالم مُثل معلقه» و تفاوت آن با «مُثل افلاطونی» نزد سهروردی ارائه دهد، سپس به تبیین دیدگاه حکیم عبدالرزاق لاهیجی و نقدهای وی بر عالم مُثل معلقه شیخ اشراق میپردازیم و در مرحلهٔ سوم به نقدهای لاهیجی پاسخ میدهم. نویسنده مدعی نیست که در این موضوع سخن آخر را گفته ولی میتواند ادعا کند که در مورد دیدگاه حکیم لاهیجی دربارهٔ نظریهٔ مُثل معلقه و نقد آن، پژوهش شایسته‌یی صورت نگرفته است. هرچند حکیم متأله ملاحادی سبزواری، پیش از این در کتاب اسرار الحکم به نقدهای لاهیجی پاسخ داده، لیکن پاسخهای وی جامع و فراگیر نیست؛ افزون بر اینکه مغلق و فهم آن دشوار است. امید است با این تلاش، راه پژوهش در این حوزه گشوده شود و کاستیهای احتمالی تحقیق حاضر در پژوهشهای آینده مرتفع گردد.

کلید واژگان

مُثل معلقه
تجرد مثالی
حکمت اشراق
سهروردی
مراتب نظام هستی
خیال منفصل
لاهیجی

طرح مسئله

از جمله ابتکارات شیخ اشراق اثبات عالم مثال (عالم صور معلقه) است که واسطه و برزخ بین عالم عقول و عالم طبیعت است. در نگاه و جهان‌شناسی مشائیان، سلسله مراتب و درجات هستی عبارت بود از: عالم لاهوت (یا الوهیت)، جبروت (یا عقول) و ناسوت (یا طبیعت)، اما سهروردی با اثبات عالم مثال، مراتب هستی و درجات آن را افزایش داد. او خود میگوید: «وَلِي فِي نَفْسِي تَجَارِبُ صَحِيحَةٌ تَدُلُّ عَلَيَّ أَنَّ الْعَوَالِمَ أَرْبَعَةٌ»!

چنانکه ملاحظه میشود دلیل و برهان اصلی سهروردی برای اثبات عالم چهارم، کشف و مشاهده‌یی

*.Email: Z_baharnezhad@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۶ تاریخ تأیید: ۹۷/۳/۲۰

۱. سهروردی، مجموعه مصنفات، ج ۲، ص ۲۳۲؛ شیرازی، شرح حکمة الأشراق، ص ۴۹۱.